

بود و نمودِ سخن

متن ادبی، بافتار اجتماعی و تاریخ ادبیات

(گزیده مقاله‌های ادبی)

دکتر احمد کریمی حکاک



فهرست مطالب

سخن نخست	۵
پیش‌گفتار	۷
۱ نژاد، مذهب، زبان: تأملی در سه انگاره قومیت در ایران	۳۳
۲ مرغان جان و جهان: سیمای سیمرغ در شاهنامه و منطق‌الطیر	۵۹
۳ ادب، اخلاق، اندرز: درباره سه مفهوم در فرهنگ ایران	۹۱
۴ پشت رنگ‌های خزان: زبان شعر فارسی در هند	۱۱۹
۵ یاوه‌سرایان، هرزه‌درایان، و شاعران: تحلیلی از سیر پیدایش مقال تجدد در شعر فارسی	۱۴۹
۶ ادوارد براون و مسئله اعتبار تاریخی	۱۸۵
۷ پروین اعتصامی، شاعری نوآور: تحلیلی از شعر «جولای خدا»	۲۰۵
۸ مطبوعات ایران در برابر سانسور از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ ش	۲۳۳
۹ یک تجربه است و همین یک آقا: تحلیلی از «کیدال‌خائنین»، اثر سیمین دانشور	۲۵۵
۱۰ از درشتی جنگ تا ناشکیبایی جان: چشم در چشم مردی که «شلوار تاخورده دارد»	۲۸۵
۱۱ مکان تکاپو، امکان تکامل: تحلیلی از دل فولاد اثر منیرو روانی‌پور	۳۲۵
۱۲ نگاهی بر موفق‌ترین رمان ایرانی در دهه ۱۳۷۰ ش	۳۵۹

۱۳	احمد شاملو، شاعری ماندگار	۳۹۹
۱۴	ایکار و پرومته: یادى از احمد شاملو و فریدون مشیری	۴۱۷
۱۵	نقد ادبی در ایران معاصر: فرضیه‌ها، فضاها، و فرآورده‌ها	۴۳۷
۱۶	تاریخچه ترجمه به زبان فارسی	۴۷۵
۱۷	زادگاه زاینده در رؤیای مسافر کوچیده از وطن: تحلیلی از سه اثر شاهرخ مسکوب در غربت	۴۹۷
۱۸	سیمین، تمثالگر روزگار ما	۵۱۹
۱۹	گفتار درباره بعضی مستفرنگان و فرنگان (از: شادروان استاد محمد جعفر محجوب)	۵۳۹
۲۰	آموزگاران ما، آموخته‌ها و نیاموخته‌های ما: در پاسخ استاد محمد جعفر محجوب	۵۹۵
	نمایه	۶۲۳

سخن نخست



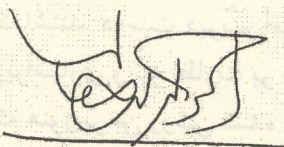
شاید بتوان گفت که داستان انتشار هر کتاب نیز در خود حکایتی است در کنار محتوای آن که در ذهن مؤلف نقش می‌بندد و، بلند یا کوتاه، خوش یا نه چندان و چنان، به پایانی مشخص می‌انجامد. در خصوص کتاب حاضر نیز چنین بوده است. فکر چاپ گزیده‌ای از مقالات ادبی مرا در آغاز دوست یگانه‌ام کریم امامی در سال ۲۰۰۳ میلادی، در خلال بازدید کوتاه من از ایران، با من در میان گذاشت، و البته بی هیچ تردیدی مورد قبول و بلکه استقبال من قرار گرفت. پس از درگذشت آن عزیز در سال ۲۰۰۵، همسر گرامی‌اش گلی امامی کار را بجد پی گرفت و ایامی از اوقاتش را به آن اختصاص داد، که متأسفانه با جدایی ایشان از سازمان انتشاراتی که در آن کار می‌کرد متوقف شد. یکی دو سال بعد آقای مرتضی هاشمی‌پور از سوی نشر نامک تماس گرفتند و پیشنهاد چاپ این کتاب را با من در میان گذاشتند. دوست دیرینم آقای عبدالحسین آذرنگ نیز پذیرفتند کار ویراستاری و نیز نظارت بر چاپ را سرپرستی کنند، ولی بعداً به دلایلی که هنوز بر من روشن نشده از این کار منصرف شدند.

از سوی دیگر، در آن سال‌ها ممانعت دستگاه دولتی ایران از صدور اجازه نشر کتاب نیز مزید بر علت شد و کار انتشار را به توقف ناخواسته دیگری دچار کرد. سرانجام در خلال یکی دو سال اخیر با کوشش‌های پیگیر نشر نامک و آقای هاشمی‌پور به نظر می‌رسد مانعی در این کار باقی

نمانده باشد. همچنین دوست جوان من آقای دکتر عبدالرسول شاکری نیز زحمت یک دور بازیابی نهایی متن کتاب را برعهده گرفته‌اند. از این فرصت استفاده می‌کنم و از همه نامبردگان بالا سپاسگزاری می‌کنم. تردیدی ندارم که کتاب حاضر کیفیت نهایی خود را فراسوی توش و توان من مرهون عنایت و زحمات این دوستان و همکاران است.

برای من موجب نهایت خوشوقتی است که می‌توانم این کتاب را در معرض داوری و ارزیابی جامعه کتابخوانان ایرانی و فارسی‌زبان قرار دهم و امیدوار دریافت انتقادات و نظریات ایشان باشم. باید اذعان کنم که در تمام دوران زندگی در غربت غربی با مشکل غیاب خوانندگان علاقه‌مند به مقالاتی از آن نوع که من زندگی حرفه‌ای خود را بدان اختصاص داده‌ام روبرو بوده‌ام، اما همیشه کم و بیش از نظریاتی که خوانندگان کارهای خردم ابراز داشته‌اند و من از آنها آگاهی یافته‌ام بهره و لذت برده‌ام. در مورد این کتاب نیز چشم امید من به دست و دل و ذهن خوانندگانی دوخته است که آن را با نگاه تیزبینانه خود به بررسی و انتقاد خواهند گذاشت. امیدوارم این کتاب نیز در کنار و در ادامه «طلیعه تجدد در شعر فارسی» راهگشای نقد ادبی روشمند و روشنگری باشد که، به گمان من، جوامع فارسی‌زبان همچنان بدان نیاز مبرم دارند.

احمد کریمی حکای



لندن، مارس ۲۰۱۵

پیش‌گفتار

کتاب حاضر دربرگیرنده گزیده مقالاتی است که در خلال سالیان و در حاشیه تدریس و تحقیق دانشگاهی به زبان انگلیسی نوشته شده‌اند، و خاستگاه و موقعیت نگارش آنها مورد به مورد متفاوت بوده است. اما مقوله کلی حاکم بر آنها، همچنان که مقوله حاکم بر زندگی حرفه‌ای نویسنده آنها، حرکت متون مشخص ادب فارسی است در راستای زمان، که گاه از زاویه انگاره‌های ذهنی و مفروضات اجتماعی شاعران و نویسندگان فارسی‌زبان و گاه از دیدگاه سیر و سلوک متن ذر زمینه‌های اجتماعی گوناگون و برداشت‌های فارسی‌زبانان عصرها و نسل‌های پی‌درپی بدان نگریسته شده است. آنچه در پس پشت آن انگاره‌ها و برداشت‌ها می‌توان دید، اما، این نظر است که ادب هزار و صد ساله زبان فارسی نقشی یگانه در شکل دادن به زندگی اجتماعی فارسی‌زبانان در ادوار پی‌درپی، و به ویژه ایرانیان در دو قرن اخیر ایفا کرده است، به گونه‌ای که آن را می‌توان به مراتب بیش از یک عامل در میان عوامل عدیده در تکوین نظام اندیشگی ایشان دانست. در این دو قرن، یعنی در دهه‌هایی که در پی شکست‌های خفت‌بار ایران در جنگ‌های ایران و روس ذهنیت ایرانیان را شکل داده است، مباحثات و مجادلاتی در باب ادبیات و نقش اجتماعی و سیاسی آن در میان نخبگان ایرانی درگرفت و هنوز هم درمی‌گیرد که پیش از آن سابقه نداشت. این مباحثات و

مجادلات رفته رفته ادبیات فارسی را به جایگزین نمادینی بدل کرد که ایرانیان تنگناهای روانی، مشکلات معیشتی، و موانع سیاسی خود را در چارچوب آن مطرح کردند و راه‌های چاره‌ای به فراخور حال و کار خود ارائه کردند. به دیگر سخن، ادبیات به ساختاری بدل شد که در محدوده آن بیان معضلات اجتماعی و اندیشیدن به راه‌حل‌هایی در هر مورد در قلب وظایفی جای می‌گرفت که شاعر یا نویسنده در کار نوشتن بر دوش خود می‌گذاشت و خواننده در کار خواندن و تأویل و تعبیر و تفسیر می‌کوشید به آن دست یابد و به آن بیندیشد.

از این نقش نمادین دست‌کم دو پیامد عمده دیگر مجال ظهور و بروز یافت: نخست آنکه نفس نوشتن از نویسنده نوعی «تیپ» اجتماعی ساخت که مفهوم آن نزدیک به آن چیزی بود که امروز - یعنی در دومین دهه قرن بیست و یکم - با کلمه «کنشگر» بیان می‌شود، یعنی معادلی برای کلمه activist در زبان انگلیسی، یا «کوشنده» در دوران معروف به «بیداری»، و «فعال سیاسی» در محاوره رایج در کشور ایران در دوران پس از جنگ جهانی دوم. به موازات این واژه‌ها، دو کلمه «منورالفکر» و معادل آن «روشنفکر» نیز سیر و سلوک تاریخی خود را آغاز کردند، که واژه اخیر تا به امروز نیز در میان ایرانیان رواج دارد. پیامد دوم، که بیشتر به مضمون و محتوای آثار ادبی مربوط می‌شد، تحولی عظیم، ولی اغلب پوشیده و پنهان بود که در ویژگی ماهوی «اجتماعیت» ادبیات رخ داده است و پایه‌های آن را بر انگاره خاک و سرزمین مستقر کرد و به تفکری این جهانی یا دنیوی یا دهری - نه همچون «مادی» در برابر «معنوی»، بلکه همچون زندگی خواهی در برابر مرگ‌اندیشی - پیوند زد. نتیجه این بود که در ذهن ایرانی «منورالفکر» یا «روشنفکر» - یا به اصطلاح امروز «شهروند»ی که خود را از نخبگان می‌داند و «فعال» یا «کنشگر» می‌نامد - رمان یا داستان کوتاه یا انواع شعر در هر حال به گونه‌ای اندیشه‌ای یا دستورالعملی است، یا به نوعی می‌تواند «راهنمای زندگی اجتماعی» باشد در قالب کشوری

به نام ایران یا برای همه کسانی که خود را به گونه‌ای «ایرانی» می‌دانند. نیز از همین منظر بود که نظریه‌هایی درباره تاریخ ادبیات فارسی شکل می‌گرفت و بیان می‌شد که گرچه در جزئیات تفاوت‌های بارزی داشت در کلیات، گذشته‌ای شکوهمند را در برابر وضعیتی اسفناک در زمانه حاضر می‌دید و آگاهانه یا نیاگاه، آرزوی بازگشت به آن گذشته را، خواه حکومت عدل علی باشد خواه حاکمیت انوشیروان دادگر، آرمان فلسفی-اجتماعی خویش می‌شمرد.

میراث مکتوب ادب فارسی، در شکل و محتوای آثار کلاسیک، تبار آن‌گونه «کنشگری» یا «فعالیت» را دربر می‌گیرد که در آن اجتماعیت به معنای اندیشه‌ورزی و معناجویی هستی کلی آدمی است، ولی در شکل و محتوای ادبیات جدید آن «کنشگری» و «فعالیت» را عمدتاً به بروزات اندیشه سیاسی گره می‌زند و اجتماعیت را به گونه‌هایی از «آگاهی»، «تعهد» یا «التزام» سیاسی اطلاق می‌کند. آثاری که شالوده‌های ادب فارسی را تشکیل می‌دهد، خواه آثار باقیه از تمدن ایرانی پیش از اسلام باشد، خواه قرآن و حدیث و نقل و روایت و حکمت و اخلاقی که می‌توان آنها را در عوالم مقال اسلامی و ملهم از آن آئین تبیین کرد، همه ادبیات را بیان نمادین پدیده‌های اجتماعی انگاشته‌اند و نویسندگان را کنشگران راه سعادت؛ گیرم در مسیر آثار در زمان، تحولی را در مفهوم «سعادت» می‌بینیم، از وارستگی و رستگاری به سوی روشنگری و بهروزی. و هرگاه خواهیم سرفصل این پیشگفتار را با جمله‌ای درباره آثار جدید دو قرن گذشته، که بیشتر متون موضوع این مجموعه را تشکیل می‌دهند، به پایان بریم، باید گفت که در فرایند تکوین اندیشیدن به تحول سیاسی و اجتماعی کشور ایران، نه در اندیشیدن به چگونگی رستگاری در قیام قیامت یا راه یافتن به بهشت موعود ادیان اسلامی، بود که ادب فارسی در ذهن نویسندگان ایرانی از نظر پدیدارشناسی دگرگون، یعنی جدید، شد، و شکل و شمایل امروزی به خود گرفت. نیز در همین فرایند شیوه درک

امروزیان از آثار دیروزین متحول شد، یعنی درک امروزین از گذشته ادب فارسی، در آغاز کار زمینه‌ساز پیشگویی‌های خوشبینانه‌ای برای آینده کشور ایران گردید تا در دوران دیگری آئینه اسف‌ها و اندوهان نسل‌های بعدی گردد، و امروز ما را در برابر پرسش قرار دهد و دعوتی به بازاندیشی در مجموعه اندیشه‌های پیشینیان خویش. امید من این است که کتاب حاضر گامی در این مسیر باشد، و آنچه در این پیشگفتار به دنبال کلیات آغازین می‌آید، نیز شرحی به غایت مختصر درباره این‌که هر یک از مقالات چگونه می‌تواند در طی این مسیر اندیشه‌زا باشد.

* * *

مقالات این کتاب به ترتیب پیدایش فرایندهای تاریخی، روندهای اجتماعی، و متون ادبی که در آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته، از قدیم تا جدید و معاصر، مرتب شده‌اند. از این قرار سه مقاله‌ای که انگاره‌ها و مفاهیم بنیادین ادبیات و دوره‌های مشخص بروزات آن را در متون مورد بررسی قرار می‌دهد و کم و بیش به تاریخ ادبیات فارسی مستقیماً مربوط می‌شود، در آغاز آمده است. آنگاه پنج مقاله بعدی موضوعات و مسائل تجدد در ادبیات فارسی و آغاز سیر تحول در زایش جدید از قدیم تا حول و حوش انقلاب ایران، یعنی سال‌های ۱۳۶۱-۱۳۵۶ هجری خورشیدی، در مروری اجمالی و با عنایت ویژه به اثرات و عواقبی مطرح می‌گردد که تاریخ‌نگاری ادبی را ناگزیر به بررسی روابط پیچیده و گاه پوشیده میان متن ادبی و بافتار اجتماعی می‌کشاند. با مقاله مربوط به داستان «کیدالخائنین» تمرکز بر متون ادبی مشخص، و باز در قالب اعتنای وافیه به اجتماعی و تاریخی بودن ادبیات، پی گرفته می‌شود که چهار مقاله پی‌درپی را دربر می‌گیرد. از چهار مقاله بعدی نیز دو مقاله به مرور کار و آثار دو شاعر هم‌عصر روی می‌آورد و دو مقاله، دو مقوله مشخص «ترجمه» و «نقد» را در راستای تاریخ و دوران معاصر از نظر می‌گذرانند. سرانجام در بخشی که می‌تواند به گونه‌ای «مباحثه ادبی» تعبیر شود و

می‌توانست - چنانچه نقد ادبی زبان و هنجارهای بایسته خود را در جامعه ایران و در میان ایرانیان یافته بود - به شیوه‌ای سازنده‌تر و زبیده‌تر ارائه گردد، خواننده به نظاره دو گونه نگرش می‌نشیند از دو مدرّس ادب فارسی در دو نسل پی‌درپی، که هر یک به سبک و سیاق ویژه خود آموزه‌های ادبی دوران خویش را بیان می‌کند و آن را در معرض قضاوت خوانندگان امروز و آینده قرار می‌دهد. نویسنده و ناشر هر دو بر آنند که این بخش می‌تواند شاخص خوبی باشد از شیوه گفتار و سلوک در نگرش به میراث شکوهمند ادب فارسی. واقعیت تاریخی این دو مقاله، که در پایان کتاب آمده‌اند، این است که نشر مقالات ادبی من در ایران‌نامه، ایران‌شناسی، نیمه دیگر، و سایر نشریات ادواری فارسی‌زبان در آمریکا، خالی از جنجال نبوده است و نشر دوباره آنها در ایران نیز احتمالاً مباحثاتی را برخواهد انگیخت. هم از این‌روست که از ابتدا نظر من بر این بود که این «مباحثه» همراه مقالات ادبی نشر یابد و تسلیم نظر خواننده ایرانی گردد. خوشبختانه ناشر محترم با این درخواست موافقت کرد، که اینجا از ایشان سپاسگزاری می‌کنم. امید ما این است که خواندن این دو مقاله در کنار هم از یک سو به درک بهتر تحولاتی یاری رساند که در خلال یک نسل در نقد ادبی در ایران رخ داده، و از سوی دیگر بتواند پرتوی دیگرگونه افکند بر مقالاتی که در این کتاب آمده است، پرتوی از زاویه‌ای دیگر. آن‌سان که خواننده را بیش از پیش با نگرش و روش من در نقد و تحلیل ادبی آشنا کند.

* * *

و اما در کار ارائه چکیده‌ای از هر یک از مقالات این کتاب کوشش خواهم کرد کار در نهایت اختصار صورت گیرد. در مقاله آغازین، با عنوان «مذاهب، زبان» سخن اصلی بر سر آن است که در گذر زمان نگرش‌های قومیت، یعنی رکن رکن هویت قومی یا ملی، دستخوش تحول می‌گردد. در میان ایرانیان باستان انگاره اصلی ایرانی بودن، در برابر